

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۸/۲۳

صفحات: ۲۳-۵۵

راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق

توانش ارتباطی

دکتر پرویز امامزاده‌فرد

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه روابط بین‌الملل، ایران، کرج

چکیده

این مقاله راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی را بررسی می‌کند و ابتدا به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا دانشجویان با گرفتن واحدهای متعدد زبان انگلیسی در دانشگاه نتوانسته‌اند مهارت‌های زبانی خواندن، شنیدن (درک مطلب شنیداری)، نوشتن و مکالمه را کسب نمایند. برای این کار، مسائل عمده بر سر راه آموزش زبان انگلیسی دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی آسیب شناسی، و سپس راه‌های برون‌رفت از آن آسیب‌ها بررسی شده‌اند. این مقاله نشان می‌دهد که بالابردن توانش زبانی دانشجویان مستلزم استفاده از رویکرد توانش ارتباطی می‌باشد. (فرضیه) استفاده از رویکرد توانش ارتباطی به معنای آنست که به هنگام آموزش، برای تحقق وجوه دست‌ورزبان شناختی، جامعه شناختی، گفتمانی و مهارت شناختی (استراتژیک) دانش زبان انگلیسی دانشجویان تاکید گردد.

کلیدواژگان

توانش زبانی، مهارت‌های زبانی، توانش ارتباطی، وجوه دستور زبان شناختی، جامعه شناختی، گفتمان و مهارت شناختی (استراتژیک) زبان انگلیسی.

مقدمه

در پژوهشی که در اوایل دهه گذشته در مشهد انجام گرفت، از ۶۰۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد خواسته شد به پرسشنامه‌ای در مورد میزان رضایت‌مندی خود از درس زبان انگلیسی پاسخ دهند و از ۲۰ استاد دانشگاه فردوسی مشهد نیز خواسته شد در مصاحبه‌ای در همین زمینه شرکت نمایند. همچنین تمرین‌های کتب درسی با توجه به سبک‌های غالب یادگیری درک مطلب زبان آموزان مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان دادند که اولاً، دانشجوی و استاد، هیچ‌یک، از درس زبان انگلیسی رضایت‌مندی کامل نداشتند، ثانیاً، شکاف عمیقی میان سبک‌های غالب یادگیری درک مطلب زبان انگلیسی و سبک‌های مورد استفاده در تمرین‌های کتب درسی زبان عمومی ایران وجود دارد. (قنصولی و پیشقدم، ۱۳۸۵: ۶-۴۵۵)

هر چند آموزش زبان انگلیسی در ایران، از دیرباز، مورد توجه تصمیم‌گیران آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده است، ولی اکثر تلاش‌هایی که برای بهبود آموزش زبان انگلیسی تاکنون صورت گرفته نتایج مساعدی را به بار نیاورده‌اند و کلاس‌های درس زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها معمولاً محیطی خشک، بی‌روح و بی‌حاصل برای زبان آموزان باقی مانده است. ناموفق بودن برنامه آموزش زبان در مدارس و دانشگاه‌ها آنچنان تجربه‌ای تلخ از ناکامی در زبان آموزان ایجاد می‌کند که تا پایان دوران تحصیل آنان ادامه می‌یابد. میلیاردها ریال هزینه برای آموزش معلمان و اساتید و تهیه و تألیف کتب درسی زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها نتایج چندانی را به بار نیاورده است. (حسینی و پیشقدم، ۱۳۸۴) کارشناسان مختلف در زمینه آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران، معتقدند که این رشته تحصیلی در طول تاریخ آموزش عالی در ایران هرگز برنامه‌ای موفق نبوده است و نیروهای مادی و معنوی که در این راه صرف شده، بازده چندانی نداشته‌اند. این مشکل، به نوبه خود، سطح کیفی آموزش دانشگاهی را هم بسیار پایین آورده است، زیرا در صد بزرگی از منابع و امکانات اطلاعاتی و پژوهشی دانشگاهی، که به زبان انگلیسی می‌باشند، در خارج از توانایی‌های دانشجویان برای دستیابی قرار دارند.

این مقاله مسایل بر سر راه یادگیری زبان در دانشجویان را بررسی می‌کند و سپس شماری از راهکارهای موجود را برای آموزش زبان در دانشگاه‌های کشور ارائه می‌دهد. از نظر سازمان‌بندی مطالب،

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

ابتدا، پیشینه راهکارهای آموزش زبان انگلیسی در ایران به اختصار شرح داده شده است. سپس، آموزش زبان انگلیسی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی را آسیب شناسی شده است. این مقاله برای پیدا کردن راه‌هایی جهت بالابردن توانش زبانی دانشجویان، از متغیرهای توانش ارتباطی زبان استفاده کرده است.

از نظر اهمیت تحقیق باید خاطر نشان ساخت که در اواسط دهه ۱۹۹۰، زبان انگلیسی یکی از زبان‌های رایج در جهان برای ذخیره کردن و ارسال اطلاعات بود و نزدیک به ۷۵٪ از نامه‌ها، ۸۰٪ اسناد رایانه‌ای و ۸۵٪ اطلاعات ذخیره شده در جهان با زبان انگلیسی تهیه می‌شد. (Thomas, 1996: 30-129) با توجه به گسترش «انقلاب در فناوری اطلاعات» و افزایش چشمگیر دسترسی همگانی به این فناوری‌ها، به ویژه اینترنت، در دهه دوم هزاره جدید، در ارقام و آمار فوق تغییرات محسوسی صورت گرفته و سهم زبان انگلیسی در نامه‌ها، اسناد رایانه‌ای و اطلاعات ذخیره شده در جهان افزایش یافته است. واقعیت فوق، این موضوع را ضروری کرده است که دانشجویان به زبان انگلیسی در همه سطوح خواندن و درک مطلب، شنیداری، نگارش و محاوره‌ای آن احاطه داشته باشند تا به اطلاعات زمان دسترسی پیدا کنند و خود را با نیازهای به اصطلاح «عصر انفجار اطلاعات» انطباق دهند. پی بردن به موانع بر سر راه تحقق این هدف و اتخاذ راهکارهایی برای بر طرف کردن آن موانع از اهمیتی ویژه برخوردار است که تحقیق حاضر برای رسیدن به آن تلاش می‌کند.

۱. نظریه‌ها و تحولات عمده در آموزش زبان انگلیسی

هر چند شماری از پژوهشگران بر این باورند که قبل از دهه ۱۹۵۰، در مراکز آموزش زبان انگلیسی در ایران روش آموزشی خاصی برای این زبان وجود نداشت (قنسولی و پیشقدم، ۱۳۸۲: ۴۵۸)، اما به هر حال، در آن زمان، آموزش زبان انگلیسی در ایران تحت تاثیر الگوی مسلط جهانی، الگوی سنتی گرامر ترجمه بود. راهکارهای عمده پیرامون یادگیری زبان انگلیسی که تا کنون در جهان وجود داشته و چند مورد آن نیز در آموزش زبان در ایران به کار گرفته شده، به شرح زیر می‌باشند:

الف. شیوه یادگیری و تدریس بر اساس گرامر - ترجمه: دیدگاه سنتی

این رویکرد تا جنگ جهانی دوم دیدگاه مسلط در آموزش زبان انگلیسی در غرب بود. آموزش زبان

انگلیسی در ایران هم از آن دنباله روی می‌کرد. در روش تدریس گرامر - ترجمه، قواعد گرامری به طور مستقیم ارائه و آموزش داده می‌شدند، لغات انگلیسی با توجه به فرهنگ لغت دو زبانه، مثلاً، انگلیسی - فارسی، فراگرفته می‌شدند و در هنگام تدریس، زبان مادری به کار می‌رفت و توجهی به مهارت‌های شنیداری و مکالمه نمی‌شد. (Celce-Murcia, 1991: 6)

از اواخر دهه ۱۹۲۰ و در نتیجه ظهور مکتب رفتارگرایی در روانشناسی، شیوه آموزش سنتی گرامر ترجمه در غرب، به چالش گرفته شد.

ب. شیوه یادگیری و تدریس بر اساس روش سمعی و بصری

از زمان جنگ دوم تا اوایل دهه ۱۹۶۰ روش غالب آموزش زبان انگلیسی در غرب تدریس سمعی و بصری شد، که بر نظریه شنیداری - گفتاری مبتنی بود. این نظریه خود بر پایه نظریات رفتارگرایی و به - خصوص شرطی سازی ارادی در روانشناسی، از یک سو، و ساخت‌گرایی و مفاهیم الگوبندی در زبان، از سوی دیگر، قرار داشت. در روش تدریس سمعی و بصری ملاحظات زیر در کار بودند:

(۱) مهارت‌های مکالمه و شنیدن بر مهارت‌های خواندن و نوشتن اولویت داشتند.

(۲) استفاده از زبان مادری در سر کلاس زبان منع می‌شد.

(۳) بالا رفتن توانایی‌های زبانی را ناشی از عادت می‌دانست.

(۴) به تلفظ اهمیت زیادی می‌داد.

(۵) به توضیحات گرامری توجه بسیار کم می‌کرد. به عنوان مثال، دانش آموزان، گرامر را به‌طور قیاسی فرا می‌گرفتند. (Celce-Murcia and Goodwin, 1991: 136)

در دهه ۱۹۶۰، روش آموزشی سمعی و بصری در مراکز آموزش زبان ایران پیاده شد و تأثیرات مهمی در آموزش زبان در بخش دولتی و خصوصی گذاشت؛ به‌گونه‌ای که این دهه با گسترش مؤسسات خصوصی آموزش زبان در سطح کشور مصادف گردید. همان طور که در این روش مطرح بود، تأکید اصلی بر فعالیت‌های حفظ و تکرار پاره‌گفتارها و ساختارهای زبان بود. (قنسولی و پیشقدم، ۱۳۸۲: ۴۵۸)

پ. رویکرد نهادگرایی یا فطری‌نگر

طرفداران این رویکرد، تحت تأثیر الگوی فراگیری زبان در کودکان، به ذاتی بودن زبان معتقد هستند.

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

(ناعمی، ۱۳۸۵: ۷۴) به نظر آنان، کودکان از نظر زیست‌شناختی مستعد و آماده یادگیری و به کار گرفتن زبان هستند و نیازی به آموزش برای فراگرفتن زبان از ابتدا ندارند.

(۱) نظریه نوام چامسکی

نوآم چامسکی^۱ زبان‌شناس آمریکایی، بر عوامل تعیین‌کننده‌ی فطری و زیست‌شناختی زبان تأکید می‌کند و معتقد است که کودک انسان توانایی زبانی^۲ مشخصی با دست‌ورزبان‌های طبیعی ویژه به عنوان بخشی از ذهن خود به ارث می‌برد، که زبان محیط او را مشخص می‌سازد و از این راه به او امکان می‌دهد که زبان فرا گیرد. (مشکوّه‌الدینی، ۱۳۸۰: ۲۷۵) چامسکی مکانیسم مغزی زیستی یادگیری زبان را «دستگاه فراگیری زبان»^۳ می‌نامد و معتقد است که کودک توانایی ساختن گفتارهایی را دارد که آن‌ها را قبلاً نشنیده‌است. او می‌تواند جمله‌هایی را بسازد که از لحاظ دستوری درست باشد. (ناعمی، ۱۳۸۵: ۷۵) و (Chomsky, 1965: 5-7)

از نظر چامسکی، ذاتی بودن زبان از آن جا ناشی می‌شود که روند تولید صدا در همه‌ی کودکان یکسان است و ترتیب خاصی را طی می‌کنند، مثلاً، آنان، ابتدا به اصطلاح، «آ آ» می‌کنند، در یک سالگی اولین کلمات را یاد می‌گیرند، در انتهای دو سالگی جملاتی مقطعی، شبیه جملات تلگرافی، را به کار می‌برند و در چهار تا پنج سالگی بر غالب نکات و قواعد دستوری تسلط می‌یابند. (ناعمی، ۱۳۸۵: ۷۵) به نظر چامسکی، زبان دارای دو نوع ساختار است، یکی «روساخت»^۴ و دیگری «ژرف‌ساخت»^۵. او معنا و مفهوم عمیق هر جمله را ژرف‌ساخت و ساختار ظاهری آن را روساخت می‌نامد. او معتقد است که اگر چه ممکن است زبان‌ها در ساختار ظاهری یا روساخت تفاوت داشته باشند، اما در ساختارها و ترکیب‌های عمیق و مهم (ژرف‌ساخت) با هم مشترک هستند. در جمله‌های هر زبانی ممکن است یک روساخت و چند ژرف‌ساخت و یا بر عکس، یک ژرف‌ساخت و چند روساخت وجود داشته‌باشد. (باطنی، ۴۹)

^۱- Noam Chomsky

^۲- Faculty Language

^۳- Language Acquisition Device

^۴- Surface structure

^۵- Deep structure

نظریات آموزش زبان که از دهه ۱۹۷۰، تحت تاثیر دیدگاه شناخت‌گرا، دستخوش تغییرات و تحولات عمده شدند روی دو موضوع عمده تمرکز نموده‌اند:

الف) توجه به «چگونه یاد گرفتن» زبان به جای «چه یاد گرفتن» در آموزش سنتی
ب) توجه به کلاس‌های زبان آموز- محور (دانشجو- محور)

این تحول تحت تاثیر کارهای روانشناسان شناخت‌گرایی چون ژان پیاژه^۱، برانر^۲ و دی. اوسوبل^۳ قرار داشت. (Chastain, 1988: 12) در چارچوب این نگرش روانشناسی بود که نظریه جدید زبان‌شناسی زاینده- گشتاری و نظریات مرتبط دیگر بر اساس پارادایم «توانش زبانی» به ظهور رسیدند.

اما دیدگاه توانش زبانی با دو چالش عمده روبرو شد:

(۱) جایگاه معنا (مفهوم جمله و یا واژه) در تحولات زبان‌شناسی

(۲) پیچیده بودن دیدگاه توانش زبانی

هر دو چالش مانع از این شدند که یک برنامه عملی و آموزشی زبان انگلیسی به‌وجود آید.

(Newmeyer, 1986: 138)

جدول گونه‌شناسی تحول در اندیشه زبان‌شناسی از دهه ۱۹۴۰ تا کنون

| دوره‌های تاریخی | اندیشه زبان‌شناسی | کانون توجه | رویکردها |
|-----------------|--------------------|-----------------------|----------------------|
| ۵۰-۱۹۴۰ | ساختارگرا | روساخت زبان | بی‌توجهی به معنا |
| ۶۰-۱۹۵۰ | چامسکی | توانش زبانی | معنا، تابع دستورزبان |
| ۸۰-۱۹۷۰ | معناشناسان زاینده | اندیشه پیش فرض | دستورزبان، تابع معنا |
| از ۱۹۸۰ | زبان‌شناسان آموزشی | ناتوانی در کنترل معنا | توانش ارتباطی |

(۲) مسایل بر سر راه دیدگاه توانش زبانی چامسکی

از نظر بسیاری از زبان‌شنان متأخر، دیدگاه چامسکی بسیار پیچیده و انتزاعی می‌باشد و نمی‌توان از

¹- Piaget

²- Bruner

³- D. Ausubel

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

آن به آسانی راهکارهایی را برای بالا بردن توانش زبانی زبان‌آموزان استنتاج کرد. (Spolsky, 1989:14) این موضوع، به خصوص، برای دانشجویانی که انگلیسی زبان دوم آنان می‌باشد، بیشتر صدق می‌کند. الگوی چامسکی، که فقط تبیین توانش زبانی را دنبال می‌کند، توجه به دانش غیر زبانی، همچون دانش کاربردشناسی^۱ را ضروری نمی‌داند.

ت. دیدگاه توانش ارتباطی به عنوان جانشینی برای توانش زبانی چامسکی

به دلیل مشکلات فوق، دیدگاه توانش ارتباطی به عنوان جایگزینی برای دیدگاه توانش زبانی مطرح شده‌است، هرچند ویژگی‌ها و اهداف توانش ارتباطی در راستای توانش زبانی قرار دارند و حتی زمینه ساز آن میباشند. در زبانشناسی کاربردی، نیز، الگوهای توانش ارتباطی به عنوان هدف‌های مشخص برای تدریس و آزمون زبان دوم به کار گرفته شده است. (Kasper, 1997: 345) در الگوی توانش ارتباطی، دانش کاربردشناسی، یا آگاهی از مهارت‌های زبانی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

(۱) ویژگی و بخش‌های توانش ارتباطی

الف) ویژگی‌های توانش ارتباطی

در شیوه آموزش زبان طبق الگوی «توانش ارتباطی» به نکات زیر توجه می‌شود:

- ۱- بر آموزش قواعد گرامر و لغت اهتمام کافی صورت می‌گیرد.
- ۲- به قواعد و تمرین‌های محاوره توجه می‌شود.
- ۳- چگونگی استفاده از انواع گوناگون فنون مختلف صحبت^۲ مسائل رو در روی تک‌تک آن‌ها آموزش داده می‌شود.
- ۴- آموزش این موضوع که چگونه زبان به نحو مناسب به کار برده شود. (Richards et al. 1992: 65-6) به نظر ریچاردز و دیگران، و با توجه به توانایی‌های فوق «توانش ارتباطی»، از یک سو، توانایی اعمال قواعد گرامری زبان به منظور ساختن جملاتی از نظر گرامری صحیح را دارد و از سوی دیگر، این موضوع را روشن می‌کند که جملات فوق در چه زمان و چه مکان و برای چه کسانی ساخته شوند.

^۱ - Pragmatic knowledge

^۲ - Speech Acts

(Richards et. al., 1985: 65)

در «الگوی توانش ارتباطی» که در دهه ۱۹۸۰ تدوین شد و هنوز به عنوان چارچوب مطلوبی برای برنامه ریزی آموزش زبان انگلیسی با توجه به رویکرد ارتباطی در تدریس تلقی می‌شود، ظرفیت‌های زیر به‌طور موثر مورد توجه قرار گرفته‌است:

۱- روی ارتباط، شیوه آموزش دانشجو- محور، یادگیری همیارانه و ارزشیابی واقعی و صحیح و ایجاد شرایط و زمینه یادگیری خلاق در کلاس تمرکز دارد.

۲- مهارت‌های یکپارچه شده (خواندن، شنیدن، محاوره، نگارش و غیره) و تمرکز روی روانی نگارش و مکالمه دانشجو، آزمون‌های کل‌گرا و تاکید روی فرایندی بودن آموزش، همه و همه، باعث می‌شود که هدف آموزش از توجه صرف به مهارت و عملکرد زبانی^۱ به توانش^۲ زبانی گرایش پیدا کند.

به همین جهت، بسیاری از دانشوران، که هوادار رویکرد ارتباطی در آموزش زبان انگلیسی هستند، استدلال می‌کنند که شیوه تدریس زبان باید بر اساس الگوی «توانش ارتباطی» قرار بگیرد. (Richards et. al., 1985: 48)

ب) بخش‌ها و اجزای (مولفه‌های) توانش ارتباطی

به جهت سهولت در کار تجزیه و تحلیل، ریچارد و دیگران توانش ارتباطی را به بخش‌ها و اجزای کوچک‌تر تقسیم کرده‌اند: توانش دستورزبان شناختی، توانش جامعه شناختی زبان، توانش سخن شناختی (گفتمانی) و توانش مهارت شناختی (استراتژیک). با این تقسیم‌بندی، می‌توان نتیجه گرفت که برای بالا بردن مهارت زبانی دانشجویان باید توانش ارتباطی آنان در زبان انگلیسی را در هر کدام از این بخش‌ها و اجزا، بالا برد.

۲) توانش گرامری، یا توانش دستور زبان شناخت

مولفه گرامری، یا توانش دستورزبان شناخت که به «توانش رسمی» نیز معروف است، اصلی‌ترین مولفه «توانش ارتباطی» در زبان می‌باشد. این توانش همان دانش افراد بومی از زبان است که اجزای مختلف آن جمله بندی و گرامر، واژه شناسی، شکل یا سازه‌شناسی کلمات و واج شناسی می‌باشد. توانش

¹- Performance

²- Competence

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

گرامری توانایی استفاده از ویژگی‌های فوق به منظور ساختن کلمات و جملات مناسب است و با قاعده‌مند کردن زبان انگلیسی، در واقع، سبب دقت در عملکرد آن می‌شود. جمله‌بندی و گرامر، راهی است که طی آن، کلمات و عباراتی در یک زبان مشخص را با یکدیگر می‌آورند تا جملاتی را بسازند. شکل شناسی کلمات، شعبه‌ای از علم زبان‌شناسی است که اشکال مختلف کلمات را مطالعه می‌کند. دستور زبان (گرامر) قواعدی در زبان برای تغییر شکل دادن در کلمات و پیوند دادن آن‌ها به هم است تا به صورت یک جمله در آید.

توانش گرامری یعنی این که دانشجو اولاً، دانش خوبی از گرامر و کلمات انگلیسی داشته باشد، و ثانیاً، بتواند به طور صحیح از نظر گرامری صحبت کند، بخواند و بنویسد. دلیل اصلی توجه به گرامر در شیوه ارتباطی آموزش زبان این است که در هنگام مکالمه، اگر در شیوه مکالمه، تلفظ کلمات و در گرامر اشتباهاتی وجود داشته باشد به سوء تعبیر و ملال خاطر شنونده منجر می‌شود و ممکن است از نظر ارتباطی نتیجه عکس را بیار آورد. اگر تنها بخش‌هایی از مطالبی را که شخصی می‌گوید درک شود و یا حتی آن مطالب به صورت تلویحی و نه مستقیم درک شوند، نمی‌توان گفت که ارتباط کاملاً برقرار شده است. بنابراین، برای بالابردن توانش زبانی دانشجوی، باید توانایی او در به کار گرفتن صحیح زبان افزایش یابد.

۳) مولفه اجتماعی زبان، یا توانش جامعه‌شناخت زبانی^۱

این مولفه از قواعد اجتماعی حاکم بر آموزش زبان و در نتیجه از ضرورت شناخت چارچوب اجتماعی آن بحث می‌کند. به طور کلی، توانش زبانی تحت تاثیر عوامل اجتماعی قرار دارد. اینکه موقعیت اجتماعی شنونده و گوینده معمولاً سبک‌های گفتاری خاصی را مطالبه می‌کنند (فالک، ۱۳۷۵: ۳۷۷). از این گذشته، معیارهایی که در گزینش زبان یا لهجه رسمی دخالت دارند، معیارهای زبان شناسی نیستند. این معیارها زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی دارند (فالک، ۱۳۷۵: ۴۲). هنگام آموزش زبان در دانشگاه، در ارتباط با مولفه اجتماعی زبان، عواملی چون عوامل زیر از اهمیت برخوردارند:

الف) تعامل دانشجویان با یکدیگر و نیز با استاد

ب) موقعیت اجتماعی دانشجویان در کلاس

^۱. sociolinguistic competence

پ) نوع اطلاعاتی که دانشجویان از آن برخوردارند

ت) عملکرد دانشجویان

۴) مولفه سخنوری، یا مولفه توجه به اقتضای کلام (گفتمان)^۱

توانش سخن شناختی یا گفتمانی، که از آن به صورت تحلیل سخن نیز یاد می‌شود، از دیگر ابعاد توانش ارتباطی است که توانایی پردازش زبان در قالب و چارچوبی گسترده را در خود دارد. این کار به طور معمولی از طریق ارتباط دادن مجموعه‌ای از جملات و یا گفته‌ها^۲، به یکدیگر فراهم می‌شود که یک کل معنی‌دار را ایجاد می‌کنند. چنین ارتباطی اغلب براساس جهان‌بینی عمومی و نیز آشنایی با یک چارچوب ویژه بوجود می‌آید و در نتیجه گاهی نمادین و گاهی تلویحی به نظر می‌رسد. در جایی که این چنین ارتباط‌های مفهومی و تجربی ضعیف و ناکافی‌اند، معانی که از آن‌ها ایجاد می‌شود نیز معانی‌ای غلط می‌شوند. اخیراً، ملاحظات سخن‌شناختی و گفتمانی (تحلیل سخن)، که روی فرایند دستیابی به درک متقابل^۳ در تمام صحبت‌ها و یا متن‌های نوشته‌شده تمرکز دارند، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند.

! (McKay, 2002: 49-51)

یکی از ایده‌های توانش ارتباطی، که با مولفه توانش سخن شناختی زبانی مرتبط است ایده سنخیت و مناسبت داشتن^۴ زبانی می‌باشد، همان ایده‌ای که در ضرب المثل فارسی به صورت «هر کار مکانی و هر نکته زمانی دارد»، نمود پیدا کرده‌است. این گفته فردوسی نیز ناظر بر این بعد از سخن شناختی زبان است:

سخن از تو ماند همی یادگار سخن را چنین خوارمایه مدار

زبان‌شناسان استدلال می‌کنند که سنخیت و مناسبت داشتن، «زبان جهانی» مرتبط با علامت‌ها و

نشانه‌های اجتماعی جامعه زبان اول می‌باشد. (Hymes 1980:49)

۵) مولفه توانش راهبردی (استراتژیک)

بعد دیگر توانش ارتباطی، توانش استراتژیک است که دو قابلیت زبانی شخص را مشخص می‌کند:

¹ - Discourse Competence

² - Utterances

³ - Mutual Intelligibility

⁴ - Appropriateness

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

الف) توانایی شخص برای توجیه کردن و تطبیق دادن خود از طریق بکار بردن زبان در یک وضعیت ارتباط زبانی طبیعی

ب) توانایی شخص برای بازگذاشتن راه‌های ارتباطی میان خود و دیگران از طریق زبان
تحقق هدف‌های فوق مستلزم دانستن اطلاعاتی استراتژیک است که به کمک آن شخص بتواند دانش ناقص خود را، که در اثر عوامل محدود کننده‌ای چون ضعف، بی‌توجهی، و حواس‌پرتی به وجود آمده‌است، جبران کند.

توانش استراتژیک همچنین توانایی برای تطبیق دادن و توجیه خود با وضعیت‌های ارتباطی بین فرهنگی وسیع و بی‌شمار می‌باشد، و به همین خاطر در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی برخوردار شده است. (Kasper and Kellerman, 1997: 2, Bachman, 1990: 87)

۲. ادبیات تحقیق

راجع به نقش توانش زبانی در «آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی»^۱ و یا «آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم»^۲ پژوهش‌های متعددی در خارج و در داخل ایران صورت گرفته است که به چند مورد آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

الف. رابطه میان توانش نگارشی در زبان انگلیسی و زبان مادری

هاشم احمد الصمدانی در پژوهشی تحت عنوان رابطه میان «توانش نگارشی» انگلیسی دانشجویان سعودی و توانایی نگارشی آنان در زبان مادری (زبان عربی)، و نیز، رابطه میان توانش زبان اول / زبان دوم و توانایی‌های خودتنظیم گر^۳ (دانش شناخت و تنظیم شناخت)^۴ در زبان را مورد بررسی قرار داده، و به این نتیجه رسیده است که میان توانش زبانی در نگارش زبان اول و توانایی نگارشی در زبان دوم یک

¹ - English as a Foreign Language, EFL

² - English as a second Language, ESL

³ - self-regulation abilities

⁴ - knowledge of cognition and regulation of cognition

رابطه همبستگی قوی وجود دارد. وی همچنین در یافته است که، دانشجویان عربستان سعودی با نمرات بالا در نگارش عربی، نمرات بالایی را در نگارش انگلیسی کسب می‌کنند. علاوه بر این، این تحقیق نشان داده است که میان توانش نگارشی دانشجویان در دو زبان اول (مادری) و دوم و توانایی خود تنظیم‌گر نگارشی دانشجویان یک رابطه همبستگی قوی تا متوسط وجود دارد.

این تحقیق نتیجه می‌گیرد که مربیان زبان انگلیسی در عربستان سعودی به هنگام تدوین برنامه درس نگارش زبان برای دانشجویان، باید روی عوامل فوق تمرکز کنند. این تحقیق همچنین توصیه می‌کند که مربیان، آیین نگارش زبان اول (مادری) باید به دانشجویان کمک کنند که طرح‌های نگارشی مناسب‌تری را تهیه کنند و توانایی‌های نگارشی خود را بالا برند. (Alsamadani, 2010:53-63)

پژوهش فوق، در واقع، نشان می‌دهد که مهارت‌های دخیل در یادگیری از زبانی به زبان دیگر قابل انتقال هستند، اینکه افرادی که در زبان اول از مهارت خواندن و نوشتن خوبی برخوردارند می‌توانند این مهارت‌ها را به زبان دوم انتقال دهند.

با این همه، برخی دیگر از تحقیقات نشان می‌دهند که این نظریه را نمی‌توان بسادگی پذیرفت. به عنوان مثال، در تحقیقی، که در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه اصفهان انجام شد، مهارت نوشتن افرادی که زبان انگلیسی را می‌آموزند و ارتباط آن با مهارت نوشتن آنان در زبان اول و دانش انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت. مشاهده شد که بین نمرات کسب‌شده در نگارش زبان اول و زبان دوم ضریب همبستگی ضعیفی وجود دارد، که این نشانگر عدم رابطه بین این دو مهارت بوده و امکان انتقال مهارت نگارش از زبان اول به زبان دوم را مورد تردید قرار می‌دهد. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که دانش زبان دوم به عنوان یک عامل کمکی عمل می‌کند که مهارت نگارش در زبان دوم را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بین این دو ضریب همبستگی متوسط وجود دارد. (اکبری، ۱۳۷۳: ۱-۳)

ب. رابطه هوش و توانش زبانی

بابک مهدوی در پژوهشی، نتایج آزمون‌های شنیداری امتحان‌های تافل و ایلتس را در ارتباط با ضریب هوشی آزمون دهندگان بررسی نموده و نتیجه گرفته است که «هوش زبانی»، تنها در توانش

¹ - Linguistic IQ

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

شنیداری دانشجویان نقش عمده را بازی می‌کند. در این مطالعه پیشنهاد شده است که برای بالابردن توانش شنیداری دانشجویانی، که از هوش‌زبانی چندان برخوردار نیستند، بیشتر کار شود. (Mahdavy, 2008)

۳. وضعیت آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه: علل نابسامانی در تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه

آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه دچار نابسامانی‌های زیادی در زمینه برنامه‌ریزی، اداری و محیطی و اداری و اداری می‌باشد، که عمده‌ترین آن‌ها به شرح زیر هستند:

(۱) مشکل برنامه‌ریزی آموزشی: در تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه هنوز از شیوه سنتی «گرامری-ترجمه» استفاده می‌شود. این در حالی است که از منسوخ شدن شیوه تدریس «گرامری-ترجمه» در کلاس‌های «انگلیسی به عنوان زبان خارجی» در جهان بیش از هفت دهه می‌گذرد.

(۲) مشکل اداری: آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه به شدت تحت‌الشعاع مسایل پر پیچ و خم اداری است که اتخاذ تصمیم‌های آموزشی مهم را در این درس با مشکل جدی روبرو می‌سازد.

(۳) هدف شیوه تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه تشکیل کلاس‌های درسی است که بیشتر شبیه کلاس‌های درس به زبان فارسی می‌باشد تا کلاس‌های درس به زبان انگلیسی. در واقع، به نظر می‌رسد که هدف آموزش انگلیسی، فارسی کردن و یا، بومی کردن کلاس‌های درس انگلیسی، به جای بین‌المللی کردن آنها می‌باشد. ساختار کلاس‌ها بیشتر برای یک جامعه فارسی‌زبان^۱ و نه یک جامعه انگلیسی‌زبان^۲ شبیه است.

نابسامانی در تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه علل و ریشه‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و فلسفی متعددی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. محدودیت قالب تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه

کارشناسان، قالب حاکم بر آموزش زبان انگلیسی را از نقطه نظر محیطی و اداری که در آن آموزش

^۱- Meaningful Persian

^۲- Meaningful English

صورت می‌گیرد، به دو دسته تقسیم می‌کنند: قالب «انگلیسی به عنوان زبان دوم»^۱ و قالب «انگلیسی به عنوان زبان خارجی»^۲. تفاوت عمده میان قالب‌های فوق این است که در قالب اول، محیط خارج از کلاس زبان انگلیسی، به طور جزئی یا کلی، محیطی و اداری انگلیسی زبان محسوب می‌شود، در صورتی که در قالب دوم، محیط خارج از کلاس درس محیطی و اداری انگلیسی زبان نیست، و به خصوص، آموزش درس‌های دیگر نیز معمولاً به انگلیسی نیست. (Prator, 1991: 11-2) به عبارت دیگر، در قالب «انگلیسی به عنوان زبان دوم»، جو داخل کلاس درس و نیز خارج از آن جوی انگلیسی زبان است، در حالی که در قالب «انگلیسی به عنوان زبان خارجی»، جو داخل کلاس درس انگلیسی زبان، اما خارج از کلاس، جوی غیر انگلیسی زبان می‌باشد. البته، برخی از کارشناسان وجود این دو قالب جدا از هم، «انگلیسی به عنوان زبان خارجی» و «انگلیسی به عنوان زبان دوم»، در تدریس زبان را کم اهمیت جلوه می‌دهند. این کارشناسان از وجود «طیفی از قالب‌ها»^۳ در تدریس زبان انگلیسی سخن می‌گویند که از «وضعیت مشابه بودن محیط خارج با محیط کلاس» شروع، تا «وضعیت مساعد بودن محیط خارج با محیط کلاس» و در نهایت «وضعیت بی ارتباط بودن محیط خارج با محیط کلاس» را در بر می‌گیرد. (Brown, 2001: 116)

اما به هر حال، در دانشگاه‌های ایران، انگلیسی در محیطی و اداری تدریس و تمرین می‌شود که چارچوب آن حداکثر قالب «انگلیسی به عنوان زبان خارجی» دارد. در دانشگاه‌های ایران، محیط یادگیری، تدریس و انجام تمرین و مرور زبان در درون کلاس‌هایی صورت می‌گیرد که از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

(۱) تدریس از کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد، که توسط فارسی‌زبانان نوشته شده و غالباً ترجمه‌گون است.

(۲) اداره کارهای کلاس درس توسط استادی است که بیشتر با زبان فارسی صحبت می‌کند.

(۳) برای کلاس، هیچ‌گونه پشتیبانی آموزشی به زبان انگلیسی از محیط اجتماعی خارج از آن وجود ندارد.

¹ - English as a Second Language, ESL

² - English as a Foreign Language, EFL

³ - Continuum of Contexts

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

این ویژگی‌ها به مفهوم فقدان کامل چارچوب «انگلیسی به عنوان زبان دوم» در امر آموزش زبان در دانشگاه است. در کلاس‌های درس زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران، تمایز دو قالب فوق بسیار بارز و آشکار است. در آموزش زبان دانشگاهی، قالب «انگلیسی به عنوان زبان دوم»، نه تنها کاملاً غایب است، بلکه قالب «انگلیسی به عنوان زبان خارجی» هم بسیار به ندرت پیدا می‌شود، زیرا در کلاس‌های تدریس زبان در ایران، بر خلاف اصول «انگلیسی به عنوان زبان خارجی»، غالباً به فارسی تدریس می‌شود. حتی در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی به دانشجویان خارجی در کشورهای انگلیسی زبان، که طبیعتاً جو «انگلیسی به عنوان زبان دوم» حاکم است، در بیشتر جاها، که زبان‌آموزان ایرانی حضور دارند در آن، جو «انگلیسی به عنوان زبان دوم» عوض می‌شود! در داخل ایران هم نه تنها هیچ جا نمی‌توان جو «انگلیسی به عنوان زبان دوم» را دید، که هیچ، جو «انگلیسی به عنوان زبان خارجی» هم به ضعیف‌ترین و رقیق‌ترین وجه خود وجود دارد.

ب. هدفمند نبودن تدریس و یادگیری زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران

آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران نتوانسته است هدف‌های آموزشی مشخصی را محقق سازند. برخی از پژوهشگران، دلایل متعددی را که سبب شده‌اند آموزش زبان انگلیسی در ایران هدف مشخصی را دنبال نکند، به شرح زیر آورده‌اند:

(۱) ناآگاهی دانشجویان و دانش‌آموزان از اهداف و منافع تحصیل یک زبان جدید

(۲) مریبان غیر وارد و نبود تسهیلات آموزشی

(۳) روش‌ها و سبک‌های تدریس قدیمی

(۴) منابع قدیمی و غیراصولی زبان انگلیسی که تاریخ آن‌ها منقضی شده است.

(۵) نبود انگلیسی زبان‌های بومی که به زبان انگلیسی تسلط کامل داشته باشند.

(۶) نبود برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای انگلیسی. (Musawi, 2001)

پ. استمرار شیوه تدریس گرامر- ترجمه در آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه

پژوهشگران می‌گویند که هنوز در بیشترین کلاس‌های درس زبان انگلیسی روش گرامر-ترجمه^۱

^۱ - Grammar Translation Method, GTM

به کار گرفته می‌شوند. (Rahimi, 1996 and Saadat, 1995) البته، در دهه ۱۹۶۰ روش تدریس سمعی و بصری در محافل تدریس زبان انگلیسی ایران رایج شد، شبیه آن چه در کشورهای دیگر رایج بود. (Saadat, 1995) اما روش سمعی- بصری در کلاس‌های زبان انگلیسی ایران با موفقیت روبرو نشد. دلایلی از جمله دلایل زیر این عدم موفقیت را توضیح می‌دهند:

(۱) کمبود معلم‌های واجد شرایط

(۲) کمبود وسایل آموزشی

(۳) کمبود زمان تدریس و از این قبیل. (Rahimi, 1996)

ت. بی توجهی به فرهنگ انگلیسی زبانان و آموزش زبان انگلیسی

از مسایل دیگری، که آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران با آن روبرو می‌باشد، بی‌توجهی به فرهنگ این زبان در برنامه‌ریزی آموزشی و نیز در تدریس آن است. این در حالی است که با آموختن زبان خارجی، دانشجویان خواه نا خواه در معرض فرهنگ آن زبان نیز قرار می‌گیرند. با نگاهی به کتاب-های انگلیسی تالیف شده در ایران می‌توان به این موضوع پی برد. پرورش آگاهی فرهنگی زبان آموزان نسبت به فرهنگ زبان و ادبیات و تمدن کشورهای انگلیسی زبان کمک زیادی به فراگیری زبان انگلیسی می‌کند. (Sharifi, 1986: 54-8; Ariffin, 2003: 75-7) اما چنین شیوه آموزش و پرورش در کلاس‌های زبان دانشگاه وجود ندارد.

ث. بی توجهی کتاب‌های درسی زبان در دانشگاه به برخی از مهارت‌های زبان انگلیسی

بی‌توجهی کتاب‌های درسی به مهارت‌های شنیداری و گفتاری دانشجویان از دیگر عوامل زمینه‌ساز نابسامانی در تدریس زبان انگلیسی می‌باشد. این موضوع هم در دبیرستان‌ها و هم در دانشگاه‌ها به یکسان دیده می‌شود.

(۱) کتاب‌های تجویز شده برای تدریس و ضعف‌های آنها: اولاً در این کتاب‌ها میان تدریس مطالب شنیداری، گفتاری، خواندن و نگارش توازن چندانی وجود ندارد، هر چند در این کتاب‌ها ادعا شده که به خواندن و نگارش توجه کافی شده است. فعالیت‌های نگارشی در این کتاب‌ها فقط به تمرین‌های گرامری

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

بسنده کرده‌اند، آن هم تمرین‌هایی که به‌میزان زیاد در خارج از دنیای واقعی قرار دارند. در این کتاب‌ها به شیوه‌های مختلف نگارش به انگلیسی، نگارش‌های مربوط به فعالیت‌هایی نظیر نوشتن خاطرات کوتاه روزانه، حتی نوشتن یک نامه و غیره توجهی نشده‌است.

ثانیاً، کتاب‌های درسی زبان در دانشگاه‌ها از نظر روش‌شناسی با تئوری‌ها و قواعد موجود در تحصیل زبان هم‌خوانی ندارند. البته، در کتاب‌های درسی زبان در ایران مباحثی در زمینه مکالمه و گفتگو وجود دارد، اما آن مکالمه‌ها و گفتگوها در کل در برگیرنده مطالب ارتباطی نیستند.

۲) نارسایی‌ها در کتاب‌های درسی زبان در دانشگاه: با نگاهی سریع بر محتویات کتاب‌های درسی زبان انگلیسی برای دانشگاه‌ها به آسانی می‌توان دریافت که در اکثر صفحه‌های این کتاب‌ها نارسایی‌های بارز در ابعاد مختلف به چشم می‌خورند. از این نظر می‌توان کتاب‌های زبان انگلیسی دانشگاهی در ایران را از جمله نارساترین منابع درسی در منطقه و حتی در آسیا به حساب آورد. نارسایی‌هایی که در کتاب‌های زبان انگلیسی دانشگاهی وجود دارند بسیار زیاد و شمار عمده‌ای از آن‌ها عبارتند از:

الف) وجود متون غیر جذاب، خسته‌کننده، قدیمی و غیرمنسجم در کتاب‌های زبان انگلیسی

ب) نامناسب و نادرست بودن بسیاری از متون کتاب‌های زبان انگلیسی

پ) عدم پیوستگی و ارتباط صحیح بین درس‌ها و متون کتاب‌های پایه‌های بعدی

ت) عدم توجه به نیازهای امروزی دانشجویان در متون کتاب‌ها به خصوص در بخش مربوط به ساختارهای دستوری

ث) عدم هماهنگی نکات دستوری با متون درس‌ها

ج) عدم جذابیت مطالب دستوری و کمبود فعالیت‌های متنوع

چ) وجود سوال‌های غیراستاندارد و اشتباه

ح) عدم رعایت سلسله مراتب دستوری

خ) داشتن نکات دستوری پیچیده با وقت محدود

د) توجه به ساختارهای غیر ضروری و غفلت از ساختارهای ضروری در بخش مربوط به اهداف کتاب‌ها و روش و قواعد

ذ) عدم هماهنگی حجم مطالب کتاب‌های درسی با ساعت اختصاص یافته برای آن‌ها

ر) عدم تطابق هدف‌های آموزشی با آزمون‌های برقرار شده

ز) شفاف نبودن هدف‌های کلی کتاب‌ها

ژ) مشخص نبودن سطح کتاب‌ها و جامع و کامل نبودن محتوای آن‌ها

س) عدم تطابق محتوای کتاب‌ها با روش‌های نوین تدریس

این که محتوای کتاب‌های زبان انگلیسی باعث مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های یادگیری نمی‌شود، و در ارائه مطالب، مثال‌ها و تصویرها در حد مطلوبی دارای تنوع نیستند. این باعث شده است که دانشجویان در طول آموزش زبان در دانشگاه نتوانند مهارت‌های لازم شنیدن، محاوره، نگارش و خواندن را به‌طور کامل و جامع کسب نمایند. تنها شکل و محتوای کتاب‌ها، آنان را تا حدی با مهارت درک مطلب آشنا می‌سازد.

ج. ریشه دبیرستانی داشتن نابسامانی تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه

میان همه دانشجویان، این دیدگاه تقریباً به‌طور اجماع وجود دارد که پایه‌های دبیرستانی آموزش زبان انگلیسی آنان بسیار ضعیف است. تمام دانشجویان دست‌کم نمرات قبولی پنج سال تحصیل زبان انگلیسی را در کارنامه‌های خود دارند اما این نمره‌ها نشان‌چندانی از میزان دانش زبان انگلیسی دانشجویان در دوران دبیرستان را در خود ندارند. پس از حداقل پنج سال تحصیل زبان انگلیسی، دانش-آموزان دیپلمه نمی‌توانند حتی یک نامه کوتاه به زبان انگلیسی بنویسند و یا مکالمه‌ای مختصر در حد یک گفت‌وگوی روزمره را انجام دهند.

کارشناسان ضعف دانش‌آموزان را در یادگیری زبان در دبیرستان با عوامل متعددی مرتبط می‌دانند: مشکلات بر سر راه زمان آموزش رسمی، ناکارآمد بودن محتوای کتاب‌های درسی زبان انگلیسی، کم‌بودن ساعت‌های تدریس و بی‌علاقگی دانش‌آموزان به یادگیری زبان انگلیسی.

(Jahangard, 2007 & Khaniya, 1990: 51 و عباسی، ۱۳۹۰)

از سوی دیگر، بسیاری از ناظران مسایل آموزش و پرورش بر این عقیده‌اند، دبیران در ایران تحت فشار هستند تا تدریس خود را صرفاً برای موفقیت دانش‌آموزان در آزمون‌های مختلف، از جمله کنکورهای دانشگاه‌ها، تافل و ایلتس شکل دهند. (Jahangard, 2007: 130-50 & Hosseini, 2007)

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

۴. تبیین رابطه میان عوامل تعیین کننده توانش ارتباطی با بالا رفتن توانش ارتباطی زبانی دانشجویان سیاست

به طور کلی، در آموزش زبان، میان توجه به عوامل تعیین کننده توانش ارتباطی (توانش دستورزبان شناختی، جامعه‌شناختی، سخن‌شناختی زبان و استراتژیک) و بالا رفتن توانش ارتباطی زبانی دانشجویان ارتباط نزدیکی وجود دارد.

الف. توجه به توانش دستورزبان شناختی برای بالا رفتن توانش زبانی دانشجویان سیاست

میان افزایش توانش دستورزبان شناختی و بالا رفتن مهارت زبانی دانشجویان رابطه ای بسیار نزدیک وجود دارد. چون توانش دستورزبان شناختی بخشی از توانش ارتباطی می‌باشد، پس گرامر، که بنا بر طبیعت خود موضوعی پیسته و غیر متحرک است، تحت‌الشعاع فرایند ارتباط فعال، باز و پویا قرار می‌گیرد. با این همه، در آموزش زبان به شیوه ارتباطی، بر خلاف آموزش زبان به شیوه «گرامر- ترجمه» گرامر نه هدف تدریس زبان، بلکه تنها ابزاری برای آنست. ازین گذشته، رابطه میان توانش دستورزبان شناختی و مهارت زبانی رابطه بین «جذب»^۱ و «تمرین»^۲ است. از آنجا که دانش گرامر، همچون هر دانش دیگر، از تمرین و ممارست حاصل می‌شود، دانشجویان از طریق تمرین و ممارست و شرکت در فعالیت‌های مربوط به خواندن و شنیدن، ساختار و نقش گرامر را مشاهده می‌کنند و درک می‌نمایند. این که از طریق کمک دانشجویان به یکدیگر می‌توان قواعد گرامری را خلاصه کرد و جملات را به آسانی جذب نمود. به عبارت دیگر، تمرین کردن برای دانشجویان هدف و انگیزه‌ای واقعی را تعیین می‌کند و از این طریق آنان را به فکر کردن وامی‌دارد، که عاملی موثر در یادگیری است. از این طریق، دانشجویان شیوه انفعالی زبان آموزی^۳ خود را رها کرده و آن را به شیوه جذب فعال زبان^۴ تبدیل می‌کنند.

(Zhong-guo, and Min-yan, 2007: 62)

^۱. "absorbing"

^۲. "practicing"

^۳- Passive Language Acceptance

^۴- Active Language Absorbing

البته مطالعاتی که از سه دهه قبل روی رابطه میان مطالعه گرامر و یادگیری زبان دوم صورت گرفته‌اند، ابعاد دیگری از دیدگاه فوق را ظاهر می‌کنند. اولاً، متغیرهایی نظیر سن، سطح کارایی زبان انگلیسی و پیشینه تحصیلی زبان‌آموزان در توجه آنان به گرامر نقش بارزی را بازی می‌کنند. به عنوان مثال، در مطالعات سلس- مورسیا (Celce-Murcia, 1985) دیده شده‌است که دانش گرامر برای دانشجویان و بزرگترها از اهمیت بیشتری برخوردار است، در حالی که در میان کودکان زبان‌آموز اهمیت چندانی ندارد. همچنین، دانش گرامر برای دانشجویان در کلاس‌های زبان سطوح بالا مهم‌تر از گرامر برای دانشجویان تازه شروع کرده می‌باشد. ثانیاً، با توجه به متغیرهای آموزشی، عواملی چون مهارت و نیاز دانشجویان به استفاده از زبان نقش عمده را در توجه آنان به گرامر بازی می‌کنند، همان‌طور که مطالعه گرامر برای برقراری ارتباط جهت پیشبرد کار و حرفه مهم‌تر از مطالعه آن برای برقراری ارتباط جهت بقا می‌باشد، و نیز برای فعالیت‌هایی چون نگارش و انشاء نویسی، گرامر اهمیت بیشتری دارد تا برای شنیدن و خواندن. (Chastain, 1988: 281-2)

جدول گونه شناسی رابطه میان میزان توجه به گرامر میان گروه‌های مختلف اجتماعی

| میزان توجه به گرامر | گروه‌های سنی | گروه‌های با سطح دانش زبان انگلیسی | گروه‌های دارای هدف | گروه‌های دارای علاقه به |
|---------------------|--------------|-----------------------------------|--------------------|-------------------------|
| بیشتر | بزرگترها | بالا | پیشبرد کار و حرفه | نگارش و انشاء نویسی |
| کمتر | کودکان | نوآموز | بقا در سر کار | شنیدن و خواندن |

گرچه دانشجویان را از نظر سنی باید جزء ردیف ۱ دانست، اما نگاه آنان به زبان، آنان را جزء ردیف ۲ می‌کند. این ملاحظه، متأسفانه، باید در آموزش زبان به دانشجویان مد نظر برنامه ریزان آموزشی و اساتید قرار بگیرد.

ب. رابطه نزدیک میان توانش جامعه شناختی و بالا رفتن توانش زبانی دانشجویان سیاست
آشنایی موثر دانشجویان با ملاحظات اجتماعی حاکم بر زبان انگلیسی، به نوبه خود، می‌تواند زمینه-

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

ساز بالا رفتن مهارت آنان در مکالمه، نگارش، درک مطلب و از این قبیل بشود. این آشنایی موثر تحت تاثیر عوامل زیر می باشد:

(۱) رابطه متقابل و نزدیک میان دانشجویان با یکدیگر در کلاس درس زبان

(۲) رابطه متقابل و نزدیک دانشجویان با استاد در کلاس درس زبان

(۳) موقعیت اجتماعی دانشجویان در کلاس و نوع اطلاعات و تجربیاتی که از آن برخوردارند

(۴) ملاحظات فرهنگی، هنجارها، ارزش‌ها، اعتقادات و الگوهای رفتار اجتماعی

پ. رابطه توانش سخن شناختی زبان (گفتمان) و بالا رفتن توانش زبانی دانشجویان سیاست

توجه به قواعد سخن شناختی زبان (گفتمان) در آموزش زبان زمینه‌ساز بالا رفتن مهارت زبانی دانشجویان می‌شود. متوجه کردن دانشجویان به زبان‌شناسی گفتمان و اقتضای کلام در آموزش زبان انگلیسی کمک موثری به بالا رفتن مهارت زبانی آنان می‌کند، زیرا:

(۱) گفتمان عوامل اجتماعی و روانشناسی مربوط به گفته‌ها را مدنظر دارد و در تحلیل کلام به واحدهای بزرگ‌تر از جمله می‌پردازد.

(۲) گفتمان، همچنین، از ماهیت گوینده، شنونده، اهداف، انگیزه‌ها و باورهای سخنگویان به آن زبان صحبت می‌کند. چنین اطلاعاتی را می‌شود تنها از طریق تحلیل سخن (تحلیل گفتمانی)^۱ کسب کرد.

(Brumfit and Johnson, 1987: 77)!

(۳) ایده سنخیت و مناسبت داشتن^۲، که از ایده‌های مهم در توانش ارتباطی می‌باشد، و با علامت‌ها و نشانه‌های اجتماعی جامعه زبان اول مربوط می‌شود، با گفتمان هم سروکار دارد. (Hymes, 1980:49)

با توجه به موضوع فوق است که حیمرز می‌گوید تاریخ جوامع مختلف و راه و رسم زندگی کسانی که با ارتباطات سروکار دارند، ارتباطات را «محیطی و اداری و اداری» کرده است. توانش ارتباطی روی این نکته تاکید دارد که تکلم‌کننده هر زبان نه تنها توانایی کاربرد قواعد گرامری آن زبان را برای ساختن

^۱- Discourse analysis

^۲- Appropriateness

جملات صحیح دارد، بلکه می‌داند کجا و چگونه از آن قواعد استفاده کند. (Hymes, 1980: 74)

ت. رابطه نزدیک توانش استراتژیک و بالا رفتن توانش زبانی دانشجویان سیاست

توجه به توانش استراتژیک دانشجویان، امکان مشارکت کامل آنان در فرهنگ زبان دوم را فراهم می‌آورد، و از طریق این مشارکت، مهارت زبانی آنان افزایش می‌یابد. این به مفهوم آنست که پیشرفت توانش دانشجویان مستلزم سر و کار داشتن آنان با محیط‌های طبیعی و واقعی می‌باشد.

توجه به توانش استراتژیک در آموزش زبان زمینه‌ساز بالا رفتن توانش زبانی دانشجویان می‌شود. چنانچه در تدریس، مواد درسی و فعالیت‌های سر کلاس زبان انگلیسی فعالیت‌ها، گفتمان‌ها و سخنوری-های داخلی و خارجی را هر دو پوشش دهد و آن‌ها را در تعامل با یکدیگر داشته باشد، سبب پیشرفت یادگیری و بالا رفتن توانش آنان می‌شود. برعکس، چنانچه در تدریس زبان انگلیسی تنها به ملاحظات داخلی توجه و نسبت به ملاحظات خارجی کم توجهی و یا بی‌توجهی شود، آن آموزش برای پیشرفت توانش دانشجویان نا مرتبط می‌شود و حتی اسباب سرخوردگی آنان را فراهم می‌آورد. (Widdowson

1998: 705-7)

۵. راهکار توجه به توانش ارتباطی برای بالابردن توانش زبانی انگلیسی دانشجویان سیاست

با توجه به مطالبی که در بخش آسیب شناسی آموزش زبان انگلیسی مورد اشاره قرار گرفتند، شماری از راهکارهای توانش ارتباطی که می‌توانند نقش بارزی در بالابردن توانش زبانی دانشجویان داشته باشند، به صورت زیر می‌باشند:

الف. راهکار بالابردن توانش زبانی دانشجویان سیاست از طریق رویکرد توانش اجتماعی یا

توانش جامعه شناختی زبان^۱

بالابردن توانش زبانی دانشجویان از طریق رویکرد توانش اجتماعی مستلزم آنست که در زمینه‌های

^۱. sociolinguistic competence

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

متعدد آموزش زبان تغییر و تحولات اجتماعی عمده‌ای صورت گیرد. شماری از این تغییر و تحولات به صورت زیرند:

(۱) تغییر در برنامه‌ریزی، نقش دانشجویان سیاست و فلسفه آموزشی

توجه به رویکرد توانش اجتماعی مستلزم آنست که، برنامه‌ریزان آموزشی زبان و نیز اساتید، نقش دانشجویان در کلاس درس را از حالت افرادی جدا از هم و منفعل بیرون بیاورند و آنان را در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر و نیز با استاد قرار دهند. از سوی دیگر، در فلسفه و شیوه تدریس استاد هم باید تغییر و تحولی صورت پذیرد، به این معنی که استاد باید بجای انتقال اطلاعات صرف زبان انگلیسی، روش کسب تجربه را به زبان انگلیسی به دانشجویان بیاموزد.

(۲) تغییر و تحول در کتاب‌های درسی زبان

رویکرد توانش اجتماعی همچنین مستلزم آن‌است که برای بالابردن توانش دانشجویان در زبان انگلیسی در دانشگاه، باید در کتاب‌های درسی موجود تغییر و تحول عمده‌ای صورت بگیرد و به خصوص آن کتاب‌ها از ترجمه‌گونی بیرون بیایند، عناوین نامناسب و یا نامربوط درس‌ها تغییر و مباحث و تمرین‌های مربوط به مهارت‌های نوشتن، محاوره، خواندن، درک مطلب و غیره در کتاب‌های درسی افزایش یابند.

(۳) تغییر و تحول در مفهوم «کلاس»

بالابردن توانش زبانی دانشجویان در قالب توانش اجتماعی همچنین مستلزم آنست که کلاس درس از یک مکان خشک بیرون آید و به جایگاهی برای فعالیت‌ها و کارهای آموزشی مناسب تبدیل شود، به طوری که در برگزیده رابطه و یا گفت‌و شنود میان استاد و دانشجو باشد. در این مفهوم جدید از کلاس، استاد در نقش دعوت‌کننده از دانشجو قرار دارد که توان خود را به عنوان یک زبان‌آموز نشان می‌دهد. استاد نقش پیامبرگونه و یا نقش سقراطی را باید بازی کند تا همچون «قابله» به جاری شدن و ساری شدن زبان انگلیسی از دانشجو کمک کند و نه این که مطالب چندی را به زور در ذهن او انباشت نماید.

(LI Zhong-guo, SONG Min-yan, 2007)

(۴) تغییر و تحول در مفهوم کار آموزش زبان

برای بالا بردن توانش زبانی دانشجویان در قالب توانش اجتماعی، باید «نظریه کار- مبنا در آموزش

زبان انگلیسی به شیوه ارتباطی^۱ را ترویج داد. در نظریه کار- مینا در آموزش زبان انگلیسی به شیوه ارتباطی، تدریس بر اساس کاری که روی دانشجو انجام شده است و نتایج آن به صورت توانایی در به کار بردن زبان انگلیسی در وی دیده می‌شود، تعریف می‌گردد. (LI Zhong-guo, SONG Min-yan, 2007) با پیاده کردن نظریه کار- مینا در آموزش زبان انگلیسی می‌توان فارغ از هرگونه نقش و یا نفوذی که دانشجو در خارج از کلاس درس و در جامعه ممکن است داشته باشد، به ارتقاء توانش زبانی او کمک کرد.

۵) توجه به چارچوب فرهنگی جامعه زبان اول در کلاس درس

برای بالابردن توانش زبانی دانشجویان، یکی از اولویت‌های اصلی این است که در کلاس درس چارچوب فرهنگی زبان انگلیسی برقرار باشد. این به مفهوم آن است که اولاً، کلاس تدریس زبان انگلیسی کلاسی جداگانه از سایر کلاس‌ها باشد. ثانیاً، همه فعالیت‌ها و صحبت‌ها، اعم از بی ربط و یا مربوط، در آن کلاس به انگلیسی صورت گیرد، به عنوان مثال، روی تابلو جز به زبان انگلیسی به زبان دیگر نوشته‌ای نباشد و حتی اطلاعات روی تابلوهای نقاشی و نقشه‌های جغرافیایی که باید روی دیوارهای کلاس زبان انگلیسی نصب شوند، باید با انگلیسی باشند. در حال حاضر، وضعیت کلاس‌های درس زبان انگلیسی در دانشگاه به گونه‌ای است که شباهت چندانی با وضعیت فوق ندارد. به عنوان مثال، کلاس درس زبان انگلیسی همچون کلاس‌های درس دیگر است، استاد در آن به فارسی صحبت می‌کند و حتی تدریس می‌نماید، دانشجویان نیز به فارسی سؤال می‌کنند و پاسخ دریافت می‌دارند. بسیاری از دانشجویان به فارسی با یکدیگر به اصطلاح «پیچ پیچ» می‌کنند و حتی در دقایق آخر کلاس با فارسی به استاد می‌گویند «خسته نباشید!» چگونه می‌توان گفت که در این کلاس چارچوب فرهنگی زبان انگلیسی رعایت شده است؟ این کلاس چگونه می‌تواند توانش دانشجویان خود را بالا ببرد؟

ب. راهکار بالابردن توانش زبانی دانشجویان سیاست با توجه به رویکرد توانش گفتمانی و یا

توجه به اقتضای کلام

(۱) این راهکار مستلزم آنست که استاد به دانشجو آموزش دهد که چگونه به هنگام سخن (مکالمه و یا

^۱. The theory of task-based CLT

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

نگارش) به وجه گفتار، زمان فعل، اشخاص و سایر عوامل زبان‌شناسی توجه کند و چگونه نظام زبان را به سود خود بسیج نماید. در آموزش زبان انگلیسی باید به دانش قواعد زبانی و یا دانش کاربرد قواعد متناسب با موقعیت‌های گوناگون ارتباطی، یعنی «چه»، «چه زمان»، «کجا»، «با چه کسی» و «چگونه» و «چرا»^۱ توجه شود. این کاربرد مناسب قواعد زبان، یا به عبارتی، به اقتضای کلام^۲ در بالابردن توانش زبانی دانشجویان نقش عمده دارد. زیرا به دنبال اطلاعاتی پیرامون ماهیت گوینده، شنونده، اهداف، انگیزه‌ها و باورهای سخن‌گویان به آن زبان می‌باشد. تحلیل سخن (تحلیل گفتمانی)^۳ در واقع، عوامل اجتماعی و روانشناسی مربوط به گفته‌ها را مدنظر دارد و به واحدهای بزرگتر از جمله می‌پردازد. (Brumfit and Johnson, 1987: 7)

۲) بر اساس رویکرد توانش گفتمانی، یادگیری توانش زبانی برای ارتباط پیدا کردن مناسب، مستلزم آنست که استاد در جریان تدریس زبان انگلیسی به دانشجویان، سختیت و مناسبت داشتن^۴ آن‌ها با علامت‌ها و نشانه‌های اجتماعی جامعه خود را برای آنان توضیح دهد، تا از این طریق آنان به ایده سختیت و مناسبت داشتن انگلیسی‌زبانان با نمادها و نشانه‌های جامعه خود پی برند.

(Hymes, 1980: 49&74)

۳) آموزش زبان به شیوه ارتباطی همچنین باعث می‌شود که دانشجویان اشتباهات و شیوه‌های رفتاری و گفتاری نامناسب احتمالی خود را از طریق توجه به شیوه‌های رفتاری و گفتاری جامعه زبان دوم مقایسه و آن‌ها را تصحیح کنند. البته، این به مفهوم تسلیم شدن به فرهنگ جامعه زبان دوم نیست.

پ. راهکار بالابردن توانش زبانی دانشجویان از طریق رویکرد توانش (استراتژیک)

آموزش زبان انگلیسی به شیوه ارتباطی و با هدف بالابردن توانش زبانی، دانشجویان توجه به

^۱ - رودیارد کیپلینگ، شاعر انگلیسی در قرن نوزدهم، کلمات فوق را «شش کلید طلایی تمدن» توصیف نمود، زیرا تمدن را بنیان شده بر آنها می‌دید.

^۲ - Appropriacy

^۳ - Discourse analysis

^۴ - Appropriateness

بالا بردن توانش (استراتژیک) آنان را هم ضروری می‌کند تا امکان مشارکت کامل آنان در فرهنگ زبان دوم را فراهم آورد. بالا بردن توانش زبانی دانشجویان از طریق توانش (استراتژیک) آنان مستلزم آنست که:

(۱) مواد درسی و فعالیت‌های سر کلاس بایستی موضوع‌ها و مباحث داخلی و خارجی را هم زمان پوشش دهند. این مواد و فعالیت‌ها همچنین بایستی حداکثر پوشش دهی به مباحث علوم سیاسی، جامعه شناسی، تاریخ، فلسفه و روش تحقیق را داشته باشند.

(۲) همان طور که ویدوسان، از کارشناسان آموزشی زبان انگلیسی، می‌گوید، در تدریس مواد درسی و سایر فعالیت‌های سر کلاس زبان انگلیسی بایستی دقت کرد که آن مواد و فعالیت‌ها، گفتمان‌ها و سخنوری‌های داخلی و خارجی را پوشش دهند و آن‌ها را در تعامل با یکدیگر داشته باشند. این که تاکید روی شیوه تدریس زبان انگلیسی که فقط و به‌طور انحصاری به مسایل و گفتمان‌های داخلی توجه دارد و نسبت به مسایل و گفتمان‌های خارجی کم‌توجه است، باید به حداقل کاهش بیاید، زیرا چنین روشی کمکی به پیشرفت توانش زبانی دانشجویان نمی‌کند و حتی اسباب سرخوردگی آنان را فراهم می‌آورد. این موضوع به‌خصوص در شرائطی که پیشرفت مهارت‌های زبانی دانشجویان مستلزم سر و کار داشتن آنان با محیط‌های طبیعی و واقعی زبان دوم می‌باشد، اهمیت دارد.

شیوه تدریس زبان انگلیسی که روی ملاحظات و عوامل فرهنگی - اجتماعی داخلی، جامعه اول، تاکید و توجه صرف دارد، در واقع می‌خواهد زبان انگلیسی را به زبان جامعه اول ترجمه کند. این شیوه تدریس می‌خواهد زبان بین‌المللی انگلیسی را به صورت زبان بومی درآورد و یا این که آن زبان را به عنوان مثال، با زبان فارسی وفق دهد، در حالی که فلسفه اولیه زبان خارجی آموزی، خود را با شرایط بین‌المللی وفق دادن است و هدف آموزش زبان درک مفهوم انگلیسی آن به صورت واقعی است.

(Widdowson 1998: 705-7)

نتیجه‌گیری

فرایند ارتقای توانش زبانی در جریان آموزش زبان خارجی از دیرباز مورد نظر استادان آموزش زبان و خود زبان آموزان بوده است. امروزه، بسیاری از نظریه‌پردازان زبان‌شناسی، از جمله هواداران نوام

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

چامسکی معتقدند که کسانی که زبان دوم را می‌آموزند، نمی‌توانند آن را همچون زبان‌آموزان بومی به صورت ذاتی درآورند. از نظر این گروه، زبان‌آموزان تنها در زمینه مهارت‌های چندگانه زبان، که از طریق آموزش کسب کرده‌اند، می‌توانند پیشرفت داشته‌باشند. اینکه آنان از «توانش زبانی» موثر بی‌بهره‌اند، و فقط «عملکرد زبانی»، مجموعه مهارت‌های چندگانه، را دارند.

این پژوهش، تعبیر دیگری از دیدگاه چامسکی را مطرح می‌کند که می‌تواند زبان‌آموزان غیربومی را یاری رساند. اینکه، می‌توان از مهارت‌های زبانی سخنگویان بومی زمینه‌های کلی گرامری، جامعه-شناختی، گفتمانی و استراتژیک زبان را استخراج کرد و سپس از این زمینه‌ها برای ارتقای مهارت‌های زبانی و نیز توانش زبانی زبان‌آموزان غیر بومی بهره‌برداری نمود، همان‌گونه که، به عنوان مثال، می‌توان از توانایی فطری مادرانه، یا «توانش» مادرانه، در پرورش فرزند خود الگوسازی نمود و سپس از این الگوها برای آموزش به دیگران در پرورش دادن سایر کودکان استفاده کرد. البته همان‌طور که در صفحات گذشته مطرح شده‌است، زمینه‌های کلی گرامری، جامعه‌شناختی، گفتمانی و راهبردی (استراتژیک) زبان همان مولفه‌های «توانش ارتباطی» هستند که اندیشمندان ارائه‌دهنده آن در مقابل دیدگاه چامسکی برای زبان‌آموزی پیشنهاد کرده‌اند. این پژوهش شکل‌های کلی فوق را نه به صورت تقابل و چالش با چامسکی، بلکه به صورت تعامل و ادامه کار وی می‌نگرد. به عبارت دیگر، این پژوهش دیدگاه «توانش ارتباطی» مخالفان چامسکی را با دیدگاه «توانش زبانی» چامسکی ترکیب (سنتز) میکند. این که، بالابردن توانش ارتباطی دانشجویان برای افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های زبانی آنان و از سوی دیگر، حل مسایل محیطی و اداری و اداری بر سر راه آموزش زبان انگلیسی آنان دو بعد مهم آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه می‌باشند، که هر کدام بدون دیگری امکان بروز و ظهور ندارند.

منابع فارسی

- اکبری، محمدعلی (۱۳۷۳)، «مشکل نگارشی یا مشکل زبانی؟»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، اصفهان: دانشکده زبان‌های خارجی، تحصیلات تکمیلی، ۱۱/۱۱.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴)، *مسائل زبانشناسی نوین*، تهران، انتشارات آگاه.
- حسینی، آ. و رضا پیشقدم (۱۳۸۴)، *سبک‌های غالب یادگیری زبان انگلیسی در زبان آموزان ایرانی*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- سلس - مورسیا، ماریان و شارون هیلز (۱۳۷۸)، *فنون تدریس دستورزبان*. ترجمه اکبر میر حسینی و پرویز بیرجندی، تهران: نشر آتیه.
- فالک، جولیا اس (۱۳۷۵)، *زبان شناسی و زبان: بررسی مفاهیم بنیادی زبان*، مترجم، خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ چهارم.
- قنسولی، بهزاد و رضا پیشقدم (۱۳۸۵)، *نقدی بر کتب زبان انگلیسی برای مقاصد خاص: بررسی زبان عمومی دانشگاه*، تهران: کنگره ملی علوم انسانی.
- کوک، ویویان جیمز و مارک نیوسان (۱۳۷۸)، *دستور زبان جهانی چامسکی*، ترجمه ابراهیم چگینی. انتشارات رهنما. ویرایش دوم.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۰)، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد: انتشارات فاطمی.
- ناعمی، علی محمد (۱۳۸۵)، *روان شناسی، آموزش مهارت‌های ارتباط و زبان*، انتشارات آستان قدس رضوی.
- هرگنهان، السون (۱۳۸۲)، *نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران، ویرایش ششم، چاپ ششم.

English Source

- Allen, J. P. B. and Paul van Buren (1971 and 1974), *Chomsky: Selected Reading*, Oxford University Press.

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

- Alsamadani, Hashem Ahmed (2010), "The Relationship between Saudi EFL Students' Writing Competence, L1 Writing Proficiency, and Self-regulation". *European Journal of Social Sciences*, Volume: 16, Issue: 1, 53-63.
- Ariffin, S. (2003), "Culture in EFL Teaching: Issues and Solutions&-0390", pp. 75-77, at: <http://web1.hpu.edu/images/GraduateStudies/TESL>
- Bachman, L. (1990), *Fundamental Considerations in Language Testing*, Oxford: Oxford University Press.
- Bowen, Tim, Teaching Approaches: Translation as a Language Learning Tool, at: <http://www.onestopenglish.com/support/methodology/teaching-app>
- Brown, H.D. (2001), *Teaching by Principles*, New York: Longman.
- Brumfit, C. I. and K. Johnson (1987), *The Communicative Approach to Language Teaching*, Oxford University Press.
- Canale, M. (1983), "From Communicative Competence to Communicative Language Pedagogy" In J. C. Richards and R. W. Schmidt (eds.), **Language and Communication**, London: Longman.
- Caron, J. (1987), *Prcis de Psycholinguistique*, Paris: P.U.F. Paris.
- Celce-Murcia, M. (1991). *Teaching English as a Second or Foreign Language*, (2nd ed.), New York: Newbury House Publishers.
- Celce-Murcia, M. and J. Goodwin (1991), "Teaching Pronunciation", In Celce-Murcia, M. (ed.) *Teaching English as a Second or Foreign Language*. Boston: Heinle & Heinle Publishers, 136-153.
- Celce-Murcia, M. (1987), "Teaching pronunciation as communication", In J.

◇ ۵۱

Morley (Ed.), *Current Perspectives on Pronunciation*, Washington, D. C.: TESOL, pp.5-12.

- Chastain, K. (1988), *Developing Second Language Skills: Theory and Practice*, (3rd ed.), Florida: Harcourt Brace Jovanovich Publishers.

- Chomsky, N. (1965). *Aspects of the theory of Syntax*, Cambridge: MIT Press.

- Chomsky, N. (1966). Linguistic Theory, In: R. G. Mead, Jr. (Ed) *Language Teaching: Broader Contexts*. Middlebury, Vt.: Northeast Conference.

- Hornby, A. S. (2000). *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English (Sixth Edition)*. Oxford: Oxford University Press.

- Hymes, D. (1980). *Language & education: Ethnolinguistic essays*. Washington, D.C.: Centre for Applied Linguistics.

- Jacob, Pierre, "Chomsky, Cognitive Science, Naturalism and Internalism", [hal.inria.fr/docs/00/05/32/33/PDF/ijn_00000027_00 pdf](http://hal.inria.fr/docs/00/05/32/33/PDF/ijn_00000027_00_pdf), Institut Jean Nicod, CNRS, Paris, at: <http://www.jacob.ehess.fr>

- Jahangard, A. (2007), Evaluation of EFL Materials Taught at Iranian Public High Schools, *The Asian EFL Journal*, 9 (2), 130-8 and 147-50.

- Kasper, G. & E. Kellerman (eds.) (1997), *Communication Strategies*, Harlow: Longman.

- Kasper, G. (1997), "Beyond Reference", In G. Kasper & E. Kellerman (eds.), *Communication Strategie*, Harlow: Longman, pp. 345-360.

- Khaniya, T.R. (1990), *The Washback Effect of a Textbook-based Test*, Edinburgh Working Papers in Applied Linguistics, University of Edinburgh.

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

- Krashen, S., and T. D. Terrel (1983), *The Natural Approach*, Pergamon.
- LI Zhong-guo, SONG Min-Yan (January 2007), "The Relationship between Traditional English Grammar Teachings and Communicative Language Teaching", *US-China Education Review*, ISSN1548-6613, USA, Volume 4, No.1, Serial No.26
- Mahdavy, Babak. (September, 2008), "The Role of Multiple Intelligences (MI) in Listening Proficiency: A Comparison of TOEFL and IELTS Listening Tests from an MI Perspective", *Asian ELF Journal*, Volume 10, Issue 3.
- McKay, S. (2002), *Teaching English as an International Language*, Oxford: Oxford University Press.
- Musawi, Z. (2001), An Overview of the TEFL Situation in Various Countries, at: <http://www.asahi-net.or.jp/ykt/overview4.html>.
- Newmeyer, Frederick, J. (1986). *Linguistic Theory in America (Second Edition)*, Academic Press.
- Prator, C. H. (1991), Cornerstones of Method and Names for the Profession. In M. Celce-Murcia (ed.), *Teaching English as a Second or Foreign Language* (2nd ed), New York: Newbury House, pp. 11-22.
- Rahimi, M. (1996), *The study of English Language Instruction at the Secondary Schools of the Isfahan Province*, Unpublished M.A. Thesis, Shiraz: Shiraz University.
- Rashidi, N. (1995), *Teaching and Learning English in Guidance and High School in Kordestan: Problems and Suggested Solutions*, Unpublished M.A.

◇ ۵۳

Thesis, Shiraz: Shiraz University.

- Renandaya, W. A. (1999), & Sunga, N.R. (Eds.), Language, at:

http://www.tesol-journal.com/PDF/TESOL_Vol2.pdf

- Richards, J. C. (1983), "Listening Comprehension: Approach, Design, Procedure", *TESOL Quarterly* 17, 219-240.

- Richards, J. C., & T. S. Rodgers (1985), Method: Approach, Design, and Procedure. In J. C. Richards, *The Context of Language Teaching*, Cambridge: Cambridge University Press, pp.16-31.

- Richards, J. C., & T. S. Rodgers (2001), *Approaches and Methods in Language Teaching* (Second Edition), Cambridge: Cambridge University Press.

- Richards, J. C., J. Platt and H. Platt (1992), *Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. 2nd edition, London: Longman.

- Rodgers, Theodore S. (2001), CAL: Digests: Language Teaching Methodology, at: <http://www.cal.org/resources/digest/rodgers.html>, September.

- Saadat, M. (1995), *An Investigation into the Problems of Teaching and Learning English in the Guidance and High Schools of Fars Province*, Unpublished M. A. Thesis, Shiraz: Shiraz University.

- Schneck, E. A. (1978), A Guide to Identifying High School Graduation Competencies.

- Sharifi Haratmeh, M. (1986), "Incorporating Culture into the EFL Curriculum", *EFL Journal*, No. 84, Vol. 22, 1986, 54-8.

_____ راه‌های بالابردن توانش زبانی دانشجویان رشته علوم سیاسی از طریق توانش ارتباطی ◇

- Spolsky, B. (1989), "The Development of a Theory of Communicative Competence", *apliij.oxfordjournals.org/content/10/2/138.full.pdf*, at:

<http://effortlessenglishclub.com/7-rules-for-excellent-english-speaking>

- Spolsky, Bernard (1989), *Conditions for Second Language Learning*, Oxford: Oxford University Press.

- Thomas, L. (1996), "Language as power: A linguistic critique of US English", *The Modern Language Journal* 80/2:129-40.

Hosseini, S.M.H. (2007), *ELT in Higher Education in Iran and India: A Critical View*. *Language in India*, 7, 1-11. Retrieved from, at:

[http://www.languageinindia.com/dec 2007/eltinindiaandiran.pdf](http://www.languageinindia.com/dec%202007/eltinindiaandiran.pdf).

Widdowson, H. G. (1998), "Context, Community and Authentic Language", *TESOL Quarterly*, 32/4: 705-16.

◇ ○ ○